

تحلیل

فائزه سادات یوسفی

خبرنگار

«ایران» از مقایسه نقش آمریکا در دو جنگ ۶ روزه و طوفان الاقصی گزارشی می دهد

توان برتر مقاومت

طوفان الاقصی به اعتراف بسیاری از کارشناسان نظامی و امنیتی در بطن نبرد های نامتقارن جهانی توانست جلوه دیگری از زندگی و مهارت های رزمی را به عرصه جهانی نشان دهد. طراحان طوفان الاقصی با شکستن قواعد مرسوم جنگی، با اکتفا به قدرت و مهارت درونی شیوه جدیدی از عملیات های نظامی را در تاریخ جنگ ها به ثبت رساندند.

این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که نوار غزه سال ها در محاصره و تحت شدیدترین و مجهزترین سیستم های اطلاعاتی-امنیتی جهان یعنی رژیم صهیونیستی قرار داشت و این به طور معمول مانع بزرگی برای هر برنامه ریزی، آموزش و ساخت تجهیزات مدرن به شمار می آید.

طوفان الاقصی معادلات موجود را نه تنها در سرزمین های اشغالی بلکه در تمام منطقه علیه منافع آمریکا به نحوی تغییر داد که به اعتراف تحلیلگران غربی نقطه بازگشتی برای آن وجود ندارد. همه تکاپوی کنونی ایالات متحده و دیگر همپیمانان صهیونیستها برای ممانعت از این تغییر است که البته هزینه های غیرقابل جبران را نصیب آنها کرده است. در صدر آن، هزینه حیثیتی و اقتدار شکنی شاگله محور عبری-غربی در برابر یک گروه چریکی کم جنه و بومی است که در قیاس با برخی وقایع تاریخی چون جنگ ۶ روزه زوایای بسیاری را برای همگان آشکار می کند. جنگ سوم ارتش اعراب و اسرائیل موسوم به جنگ ۶ روزه در خرداد ۱۳۴۶ شمسی به وقوع پیوست. ارتش های عربی و رژیم صهیونیستی در بازه زمانی ۵ الی ۱۰ ژوئن سال ۱۹۶۷ میلادی با هم درگیر شدند که نتیجه آن، اشغال جولان سوریه، نوار غزه و صحرای سینا در مصر، کرانه باختری اردن و مزارع شعبا لبنان توسط صهیونیست ها بود. از این رو است که به مجموع اراضی کرانه باختری، غزه و جولان به اصطلاح اراضی اشغالی ۱۹۶۷ میلادی می گویند.

نامگذاری این جنگ نیز به تحقیر اعراب برمی گردد. زیرا عنوان ۶ روزه به عمق ناتوانی اعراب برای مقابله رژیم صهیونیستی اشاره دائم و مستمر دارد و تا امروز نقطه استکا توصیف تاریخی رژیم در برابر دنیای پیرامون بوده است. حتی این جنگ توانست، یک عقبت نشینی مدت دار و مسجل را در دنیا علیه عرب به کمک ضعف انگاری های ایالات متحده، تحت گزاره «عدم توانایی در نزار با رژیم صهیونیستی» به وجود آورد که این امر تا به امروز جریان داشته و از اصولی ترین پایه های عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بوده است.

سردرگمی صهیونیست ها در ۴۰ روز جنگ

این درحالی است که طوفان الاقصی نه تنها موجی از سردرگمی و هراس در سرزمین های اشغالی مستولی کرد، بلکه توانست با چیرگی بر ساختار پرمدعی نظامی و امنیتی، لکه ننگی را بر تاریخچه رویاری رژیم صهیونیستی با دنیای درون به ثبت رساند. به معنایی صهیونیست ها مغلوب ارتش کلاسیک و آزاد متعلق به یک دولت در خارج از مرزهای خود نشدند، بلکه از درون دایره سلطه و فرمانروایی خود مورد بزرگترین گزند تاریخی واقع شدند. عنصر داخلی بودن برای شکسته شدن همیشه صهیونیست ها یک طرف و عدم شکست ناپذیری ۴۰ روزه حماس در برابر مداوم کوبنده ترین و وحشیانه ترین حملات رژیم صهیونیستی برگی دیگر از قدرت درونی گروه های مقاومت را نشان می دهد.

اکنون جنگ باوجود استفاده ارتش رژیم صهیونیستی از سلاح های غربی و امریکایی چون بمب های غول آسا و ممنوعه، هواپیماهای مستقر در ناوگان دریایی، پهپاد های شناسایی و ۵۰۰۰ نیروی زید امریکایی و از همه مهم تر فرماندهی رزمی پنتاگون برای هدف قرار دادن غزه اما ۴۰ روز است نتوانسته بر یک جغرافیای کوچک غلبه کند و از سوی دیگر حماس و دیگر گروه های مقاومت در چند روز گذشته تهاجمی تر ظاهر شده و کارنامه سنگین تری ارائه کرده اند. اکنون جنگ در وضعیت موجود برای رژیم فرسایشی شده و رسانه های عبری به دلیل هزینه ها و گسترش نارضایتی جامعه آن را بزرگترین وحشت رژیم صهیونیستی اعلام کرده اند.

توانمندی نظامی برتر حماس نسبت به جنگ ۶ روزه

به معنایی، میزان توانمندی های سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی در برهه کنونی بسیار بیشتر از زمان جنگ ۶ روزه بوده و ارتش صهیونیستی را حتی با وجود تجهیزات و توانایی های ویژه در یک جنگ فرسایشی در وضعیت نگران کننده ای قرار داده است. به طوری که حتی تحلیلگران غربی مداوم حملات صهیونیست ها را در طول زمان به نفع آنان نمی دانند و تلاش می کنند که آتش بس را با حداکثر منافع برای آنان اجرایی کنند. این درحالی است که ارتش رژیم به تناسب جنگ هایی که در طول دوران خود داشته بویژه جنگ سسی و سه روزه با حزب الله، توانمندی های خود را به خصوص در حوزه پدافندی توسعه داده است. نمونه بارز آن کنبند آهنین و پناهگاه های مجهز برای زندگی طولانی مدت است. اما فرود موشک های طوفان الاقصی به همراه موشک های نقطه زن حزب الله لبنان به سرزمین های اشغالی، رسیوخ پذیری سپر تدافعی اسرائیل را بر همگان ترسیم کرد. در جنگ ۶ روزه، چهار دولت عربی با قرار گرفتن در کنار یکدیگر تلاش کردند که جبهه واحدی در برابر اسرائیل تشکیل دهند و با بازماندگی قدرت ارتش های خود، رژیم را در هراس فرو برده و ابتکار عمل را از آن برپایند. اما در عمل عدم هماهنگی ساختار نظامی و وجود منافذ در همبستگی در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی موجب شد که ارتش صهیونیستی به راحتی فرودگاه ها و مناطق استراتژیک کشورهای همجوار عربی را مورد هدف قرار داده و آنها را مورد ضربات اساسی قرار دهد. دراین بین عامل مستمر دیگری چون وارد ادگی دیگر کشورهای عربی تا به امروز از اساسی ترین متغیرهای موجود در قبال تثبیت وضعیت رژیم صهیونیستی بوده است. در زمان جنگ ۶ روزه کشورهای عربی تا حدودی موافق جریان های ضد صهیونیستی بوده و در زمره پشتیبانان جبهه عربی قرار داشتند. اما در طوفان الاقصی کوچکترین اشری از آنها دیده نمی شود و موضع جمعی آنها به طور متغیلاته و کم اثر تنها در بیانیه ها خلاصه می گردد.

ورود عجولانه امریکا

از سوی دیگر اما نمی توان از نقش ایالات متحده چشم پوشی کرد. امریکا علی رغم عدم شکست رژیم صهیونیستی در برابر ارتش های عربی در جنگ ۶ روزه، اما خطر بنیادین کشورهای عرب را در کمین رژیم صهیونیستی می دید. از این رو استراتژی مهار نرم آنها را از طریق پیمان های امنیتی با کشورهای عرب به بهانه دشمن سازی و تهدید مشترک در منطقه موسوم به عادی سازی روابط در پیش گرفت تا به اهداف کلان خود دست یابد. در این بین، در قیاس با نقش آفرینی اعراب در برهه کنونی، گروه های مقاومت در بافتی جدا از دولت ها با ربودن اختیار عمل از ایالات متحده و اشغالگران آنها را در بن بست قرار داده و همچنین با اهرم فشار بر اتاقی فکر، چگونگی پایان دادن به جنگ را برای آنها مشکل کرده است. شبکه مقاومت به طور منسجم و هماهنگ سپر تهاجمی در برابر رژیم صهیونیستی تشکیل داده و علاوه بر آن، با هم افزایی سود سیاسی حاصل را در دیپلماسی منطقه ای خود به مصرف می رساند.

یکی از مشاهداتی که پیروزی موازنه قدرت حماس با ارتش صهیونیستی را اثبات کرد، ورود عجولانه ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی به میدان و همچنین حمایت های تمام قد سیاسی، نظامی و مالی از رژیم صهیونیستی بود. فارغ از عامل غافلگیری که توانست اداره شرایط را از آنها برپاید، شکسته شدن توان لجستیکی و پدافندی علی رغم برخورداری از بهترین امکانات خلاً بزرگی را در ارتش و مدیریت کلان رژیم صهیونیستی به وجود آورد. لذا «نیاز مبرم» به ورود کاخ سفید برای کنترل شرایط تنها دلالت بر ناتوانی ذاتی رژیم صهیونیستی ندارد بلکه به طور معکوسی نمادی از قدرت توازن یکی از گروه های مقاومت یعنی حماس با ارتش آن است. اما در جنگ ۶ روزه، ایالات متحده چنین حضور میدانی نداشت و شکست اعراب با همکاری نزدیک سرویس های جاسوسی امریکا و انگلیس با سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) ممکن شد.

تمام این عوامل درحالی است که مردم غزه حدود ۴۰ روز با دستارن خالی در تکاپو هستند تا رژیم را در برابر خواسته های خود به زانو درآورند. رژیم صهیونیستی اکنون در باناقتی تصمیم گیری و تحت فشار گروه های مقاومت و هزینه های تحمیلی متنوع به دام افتاده است. غزه ای که زیر ساخت های آن مورد هدف قرار گرفته و در محاصره کامل حتی با قطعی آب و برق مواجه است و حتی بیمارستان ها که مأمین مجروحان و مردم است تحت وحشیانه ترین حملات قرار دارند.

رهبر جنبش انصارالله به تل آویو هشدار داد: «چشمانان در باب المندب باز است»

تلنگر مقاومت یمن به وجدان های خفته عربی

گزارش تحلیلی

امیرفرشادف

خبرنگار

پرداخت و گفت: «نظام های عربی، فاقد جدیت و اراده لازم برای مقابله با آنچه در غزه می گذرد هستند.»

به گزارش المیادین، الحوثی درخصوص فقدان اقدام عملی برخی دولت های منطقه در مقابله با جنایات دولت صهیونیستی در غزه خاطرنشان کرد: نشست اضطراری اخیر سران عربی-اسلامی در ریاض درخصوص اتفاقات فلسطین، هیچ موضع مشخصی به دنبال نداشت. بیانه این اجلاس سران توسط اسرائیلی ها مورد تمسخر قرار گرفت. می گویند نشست سران عربی-اسلامی شامل تمام مسلمانان می شود؛ ولی نتیجه آن تنها صدور بیانیه و محکومیت لفظی است. آیا قدرت ۵۷ کشور مسلمان با بیش از یک و نیم میلیارد جمعیت همین است؟

حصر خفه کننده ملل عربی باید شکسته شود
رهبر جنبش انصارالله در بخش دیگری از سخنانش، با اشاره به ضرورت شکستن حصر ملل عربی تأکید کرد «کسانی هم هستند که با دیدن این صحنه های ناگوار در فلسطین همچنان وجدانشان مرده و خوابیده است»، درحالی که «محاصره خفه کننده ملل عربی توسط اسرائیل ادامه دارد و هیچ حرکت جدی ای برای ارسال کمک های بشردوستانه صورت نمی گیرد».

وی همچنین با اشاره به آمادگی رزمندگان یمنی در دفاع از مردم فلسطین خاطرنشان کرد: اگر گذرگاه زمینی برای رسیدن به فلسطین اشغالی فراهم شود، صدها هزار مجاهد یمنی برای مقابله مستقیم با دشمن صهیونیستی وارد میدان نبرد خواهند شد.

نگاهی به تخریب ها و گستردگی ویرانی ها در غزه از دریچه نگاه اینفوگرافیک ها

بوی مرگ

گزارش

گروه جهان

بیش از یک ماه است که آسمان شب های غزه با درخششی سرخ، روشن می شود؛ درخششی که ناشی از موشک های اسرائیلی است که مرگ و ویرانی را برای ۲،۳ میلیون ساکن باریکه غزه به ارمغان می آورد. هرچند که این موشک باران ها در طول روز نیز آسمان آبی غزه را با دودی سیاه می پوشاند. به گزارش «الجزیره» از آغاز عملیات غافلگیرانه

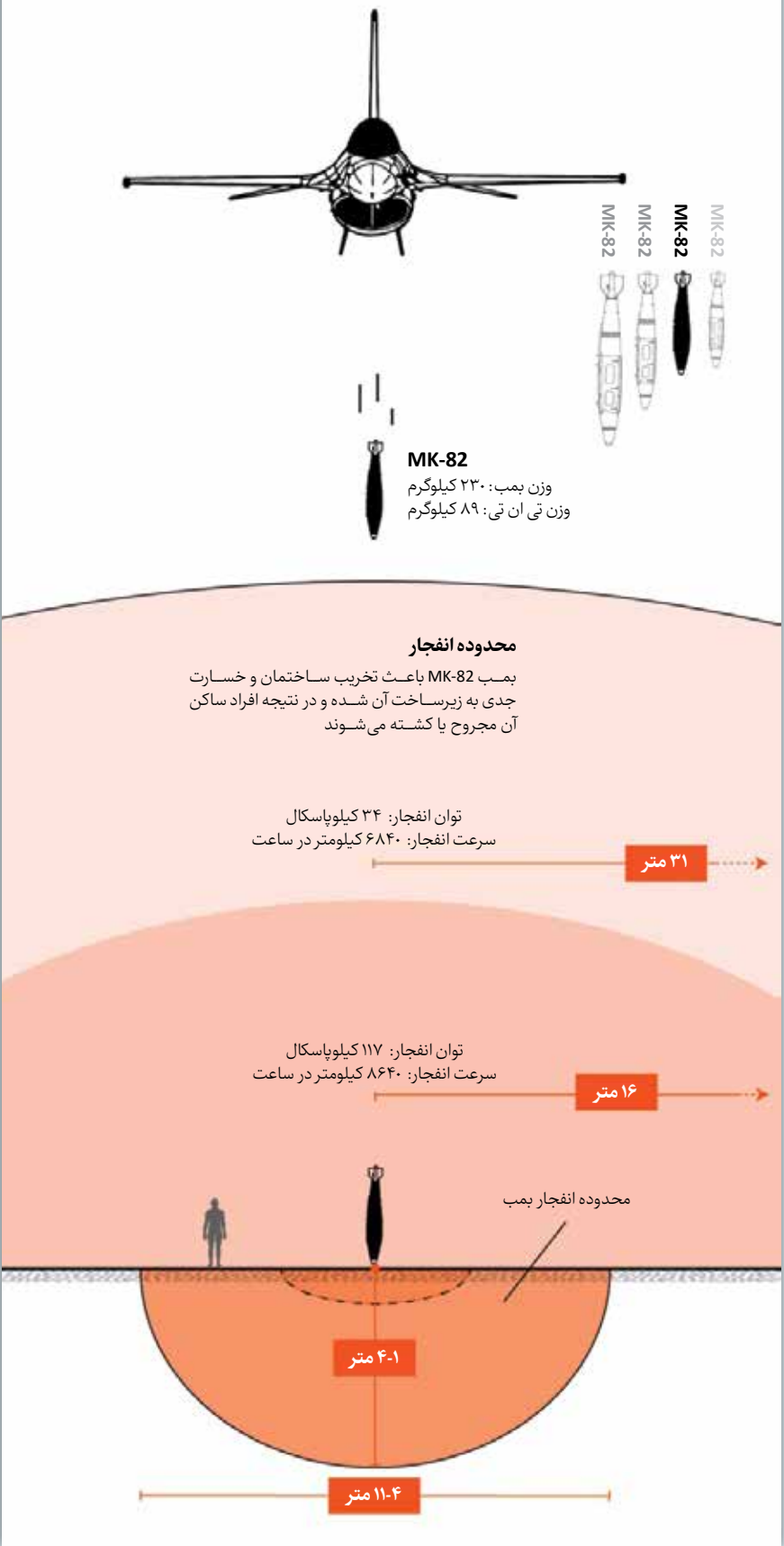
۷ اکتبر، ارتش رژیم صهیونیستی با حملات پیاپی موشکی، جان نزدیک به ۱۴ هزار فلسطینی ساکن غزه را گرفته و بیش از ۵۰ هزار خانه را به ویرانه تبدیل کرده است. آمار که البته به دلیل قطع ارتباطات باریکه غزه با جهان، کامل نیست و احتمال دارد، بیش از این ارقام باشد. ارتش اسرائیل گفته است که در این مدت بیش از ۱۴ هزار هدف را در باریکه غزه، نشانه رفته است که در تاریخ این رژیم بی سابقه است. براساس آمار که تاکنون به دست ناظران حقوق بشر اروپا -مدیترانه رسیده است، ارتش رژیم صهیونیستی در فاصله ۷ اکتبر (۹مهر) تاکنون بیش از ۲۵ هزار تن مواد منفجره به سمت غزه پرتاب کرده که معادل دو بمب هسته ای است. این در حالی است که

بمب پسر کوچولو که در جریان جنگ جهانی دوم بر هیروشیما انداخته شد و حدود ۱۵ هزار تن قدرت انفجار داشت، همه چیز را در شعاع ۱،۶ کیلومتری ناپود کرد، تصاویر ماهواره ای که از غزه منتشر شده است، نشان می دهد، چگونه ۲۵ هزار تن بمبی که اسرائیل بر سر مردم غزه ریخته، بسیاری از محله ها، بیمارستان ها، مدارس، زیرساخت هایی مانند شبکه آب و برق و... را ناپود کرده است. براساس آخرین آمارهایی که دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل و بهداشت جهانی منتشر کرده اند، نیعی از ۲۲۲ هزار خانه آسیب دیده اند و بیش از ۵۰ هزار باب از آنها به طور کامل تخریب شده اند. ۲۷۸ مرکز آموزشی نیز خسارت دیده و به ۲۷۰ مرکز درمانی حمله شده است.

۶۹ مکان مذهبی اعم از مسجد و کلیسا نیز خسارت دیده اند. این در حالی است که ۴۵ آمبولانس از کار افتاده اند و ۱۱ نانواپی تخریب شده اند.

الیجا مگنیر، تحلیلگر و کارشناس مسائل نظامی که درگیری ها در غزه را تحلیل می کند، می گوید: «استفاده اسرائیل از «بمب های هوشمند» در جنگ غزه، بخشی از استراتژی نظامی تل آویو است که براساس آن بدون توجه به میزان تلفات غیرنظامی و آسیب و تخریب زیرساخت های شهری، اهداف نظامی خود را دنبال می کند». این در حالی است که بیشترین حملات ارتش رژیم صهیونیستی علیه اماکنی انجام شده است که غیرنظامیان در آنها ساکن هستند. با این حال این رژیم برای جبران خسارت هایی که تاکنون دیده، در پی آن

تخریب ناشی از یک بمب ۲۳۰ کیلوگرمی چقدر است؟



گستردگی ویرانی ها در باریکه غزه

ارتش رژیم صهیونیستی از آغاز جنگ اکتبر ۲۰۲۳ تا کنون، بیش از ۲۰۰ هزار خانه را تا کنون یا به طور کامل منهدم یا تخریب کرده است

